

مقدمه

لهستان در سال ۱۹۱۸ م به رهبری یوزف پیلسودسکی اعلام استقلال کرد. پیلسودسکی توانست مشکلات مرزی کشورش را به نفع استقلال طلبان پایان بخشد، اما پس از مرگ وی علاوه بر شوروی، توسعه طلبی آلمان در ناحیه مرزی نیز مشکلاتی را برای دولت و مردم لهستان فراهم آورد. پیش از شروع جنگ جهانی دوم هیتلر و استالین در مورد تقسیم لهستان به توافق رسیده بودند تا اینکه با شروع جنگ حملات آلمان و شوروی به لهستان، موجب اشغال کامل این کشور و اخراج مردم از وطن خود و انتقال آن‌ها به شوروی شد. چون دولت شوروی نتوانست شرایط مناسب بهداشتی و معیشتی را برای مهاجران فراهم کند بسیاری از آنان به دلیل بیماری، یا شرایط سخت اردوگاه‌ها، جان خود را از دست دادند. در پی آن دولت شوروی و لهستان قراردادی امضا کردند که بر طبق آن، اسیران لهستانی به ایران انتقال داده شدند. این لهستانی‌ها در آوریل و اوت سال ۱۹۴۲ از طریق بندرانزلی و عشق‌آباد، یعنی دو سوی دریای خزر، وارد ایران شدند. این عده شامل افراد نظامی و غیرنظامی می‌شدند. آنان در اردوگاه‌هایی، در شهرهای تهران، اصفهان و مشهد اسکان داده شدند. وضعیت جسمی آنان در بدو ورود مناسب نبود و تعداد زیادی از آنان دچار بیماری‌های مسری بودند. اما دولت ایران علی‌رغم مشکلات اقتصادی و معیشتی و بحران سیاسی، فعالیت‌های گسترده‌ای در خصوص اسکان و سازماندهی آنان انجام داد و مردم ایران نیز از آنان استقبال خوبی به عمل آوردند.

مقاله حاضر به بررسی ورود مهاجران لهستانی به تهران و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: تهران، مهاجرت لهستانی‌ها، جنگ جهانی دوم، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی.

بررسی تأثیرات مهاجرت لهستانی‌ها به تهران در جنگ جهانی دوم

نسرین میرآخوخلو
دبیر تاریخ، شهر تهران



دلایل ورود لهستانی‌ها به ایران

با استقلال جمهوری لهستان در سال ۱۹۱۸ این کشور بر آن شد که مرزهای شرقی خود را به حد و مرز آن در سال ۱۷۷۲ م. برساند، ولی این امر موجب بروز جنگ بین روسیه و لهستان شد. (۲۱ - ۱۹۲۰) که سرانجام با انعقاد قرارداد «ریگا» کشمکش‌ها به نفع استقلال طلبان پایان یافت. طی این قرارداد شهر ویلنا نیز از لیتوانی جدا و ضمیمه لهستان شد. اما در مرزهای غربی، پس از مرگ پیلسودسکی و روی کار آمدن حکومت نازی‌ها، (بیات، ۱۳۷۴: ۷۱) هیتلر مصمم شد قسمتی از سرزمین‌های متعلق به آلمان، یا آلمانی‌نژاد، مانند سار، سودت و اتریش را بدون توسل به جنگ تصرف کند. لهستانی‌ها در مورد ناحیه داننزیگ، زیر بار نرفتند و آلمان متوسل به قوه قهریه شد. (مهدوی، ۱۳۸۳: ۳۹۳) هیتلر همچنین به شهر لایپزیک در مرز آلمان و لهستان چشم طمع داشت و عده‌ای از نیروهای اس.اس را تحریک کرد که به مرز مشترک دو کشور تجاوز کنند تا بهانه‌ای برای حمله به لهستان فراهم آید. (نیک‌پور، ۱۳۸۸: ۱۰) بنابراین دالان داننزیگ (بندر گدانسک) انگیزه حمله وحشیانه آلمان نازی به لهستان شد. (بیات، ۱۳۷۴: ۷۱) پس از حمله آلمان به لهستان و اشغال آن، در سوم سپتامبر ۱۹۳۹ فرانسه و انگلستان، به‌عنوان دفاع از لهستان و در واقع جلوگیری از قدرت روزافزون آلمان، به آلمان اعلان جنگ دادند و به این ترتیب آتش جنگ جهانی دوم شعله‌ور شد. با توجه به اینکه هیتلر و استالین در ۲۲ اوت (۲۷ مرداد) همان سال در مورد تقسیم لهستان به توافق رسیده بودند، (دمندان، ۱۳۸۹: ۱۷) در ۲۲ آگوست (۸ شهریور ۱۳۱۸) نازی‌ها لهستان را مورد حمله قرار دادند. اهالی ورشو به مبارزه سختی با آن‌ها دست زدند. نبردهای مخفی و علنی کارگران لهستان در مجاری زیرزمینی ورشو و در محله یهودیان جزء داستان‌های قهرمانی این جنگ است که نویسندگان لهستانی چون **سینکویچ** و **یژی اندره یوسکی** به نگارش آن پرداخته‌اند. (کسمایی، بی تا: ۳ و ۴) حملات به لهستان را، در جبهه‌های دیگر، سپاهیان شوروی در ۳۱ آگوست ۱۹۳۹ (۸ شهریور ۱۳۱۸) به قصد تسخیر شرق لهستان و انضمام آن به خاک خود ادامه دادند. سرانجام سپاه روس و آلمان در منطقه برنشت لیتوفسک به یکدیگر رسیدند و به این ترتیب لهستان را به دو نیمه تقسیم کردند. در

پس از حمله آلمان به لهستان و اشغال آن، در سوم سپتامبر ۱۹۳۹ فرانسه و انگلستان، به‌عنوان دفاع از لهستان و در واقع جلوگیری از قدرت روزافزون آلمان، به آلمان اعلان جنگ دادند و به این ترتیب آتش جنگ جهانی دوم شعله‌ور شد

پی این اقدام ارتش روسیه تصمیم گرفت ناحیه شرقی لهستان را خالی از سکنه کرده و به جای آن تعدادی از روس‌ها را اسکان دهد و لهستانی‌ها را به شمال و شرق روسیه منتقل سازد. در این ماجرا جمعیت اسیران لهستانی بیش از ۲۲۰۰۰۰ نفر بود. وضعیت اسیران در قطارهای باری تا رسیدن به مقصد بسیار اسفبار بود. عده‌ای از آن‌ها بیماران، سالخوردگان و نوزادانی بودند که جان خود را از دست دادند. مناطق حاشیه دریای سفید، غرب اورال، سیبری غربی و استپ‌های قزاقستان و اورال علیا برای اسکان لهستانی‌ها در نظر گرفته شده بود. در منطقه قزاقستان شرایط زندگی متفاوت بود؛ زیرا معمولاً اسیران خانواده‌های افسران و کارمندان پلیس را به آنجا اعزام می‌کردند که در آنجا بلافاصله به کلخوزهای روستایی اعزام می‌شدند. در پی حمله هیتلر به شوروی، در ژوئیه ۱۹۴۱ م. (تیسر ۱۳۲۰ ش) وضعیت لهستانی‌ها بدتر شد. از این‌رو در ماه ژوئیه ۱۹۴۱ بین ژنرال سیکورسکی و اتحاد جماهیر شوروی پیمانی به امضا رسید که براساس آن عده زیادی از اسیران لهستانی با خانواده‌هایشان به ایران منتقل شوند. (اداره مطبوعات سفارت کبری جمهوری ملی لهستان در تهران، ۱۳۲۳: ۱) ورود این پناهندگان به ایران به سادگی ممکن نبود چرا که طبق اسناد و منابع منتشر شده در شهریور ۱۳۱۸، ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرده بود. (آوری، ۱۳۷۵: ۱۴۸) در نتیجه، طی مذاکرات بین آلمان و شوروی، قرار شد ارتش لهستان از طریق ایران به ارتش انگلیس در عراق بپیوندد و پس از اینکه در فلسطین تعلیمات لازم را دید، به جبهه اروپا اعزام شود. در اظهارات سرتیپ ژوزف لایوس (نماینده مربوط در وزارت جنگ ایران، مورخ ۱۳۲۱/۵/۲) درباره ورود لهستانی‌ها تنها به عبور ارتش لهستان از خاک ایران اشاره شده و اینکه طبق توافق بین دو دولت انگلستان و لهستان سربازان لهستانی، به زودی به‌طور ترانزیت از راه ایران به شرق نزدیک اعزام خواهند شد و دولت شوروی اعتراضی در این زمینه ندارد. (مرکز پژوهش و اسناد، ۱۳۸۸: ۳۰۶ و ۳۰۷) به‌عبارت دیگر، ابتدا از ورود غیرنظامیان صحبتی نبوده اما چون تأمین مایحتاج آن‌ها در شوروی با مشکلاتی همراه شده، تصمیم گرفته شد که آن‌ها نیز همراه نظامیان به خاک ایران فرستاده شوند. اکثر این غیرنظامیان را زنان و کودکان

تشکیل می‌دادند. مسئولیت انتقال اسیران ابتدا با ژنرال **آندرس** بود و با تلاش‌های وی پناهندگان در دو نوبت (فروردین و مرداد ۱۳۲۱) در نوبت اول، ۳۱۱۸۹ نفر نظامی و ۱۲۴۰۸ نفر غیرنظامی و در نوبت دوم، ۴۳۷۴۶ نفر نظامی و ۲۶۰۹۴ نفر غیرنظامی به ایران انتقال یافتند. (دمندان، ۱۳۸۹: ۲۳) نخستین توقفگاه لهستانی‌ها در بدو ورود به ایران بندرانزلی بود و عده‌ای هم از طریق عشق‌آباد و از مرز باج‌گیران وارد ایران شدند (سفارت لهستان: ۱۳۸۸: ۴۲) در مجموع، از میان ۱۱۶ هزار نفر پناهنده لهستانی به ایران در سال ۱۹۴۲، ۸۵ هزار نفر آن‌ها سربازانی بودند که خاک ایران را ترک گفتند و به عراق، فلسطین و در نهایت به ایتالیا و بریتانیای کبیر اعزام شدند. (نیک‌پور، ۱۳۸۸: ۶) و بقیه یعنی حدود ۳۱ هزار نفر از آن‌ها اقامت و ادامه زندگی در ایران ترجیح دادند. (همان: ۴۱)

چگونگی استقرار و اسکان لهستانی‌ها در تهران

مسیر حرکت عده‌ای از لهستانی‌هایی که به سمت تهران آمدند خالی از خطر نبود و عده‌ای از آنان در راه جان باختند. (دولت‌شاهی: ۱۷۱) در ابتدای ورود، عده‌ای از زنان و کودکان لهستانی، موقتاً در خارج شهر تهران (بیرون دروازه دوشان تپه) سکونت داده شده‌اند، تا به تدریج ترتیب مسافرت و حرکت آن‌ها به مکانی دیگر داده شود. (روزنامه اطلاعات، شماره ۴۸۴۰، فروردین ۱۳۲۱: ۴) عده‌ای را نیز در قسمت‌های مسقف دانشکده فنی نیروی هوایی، آشیانه‌های خالی طیارات و ابنیه دانشکده افسری مستقر کردند. (مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۷۹: ۳۱۲ و ۳۱۳). دو هفته بعد، در ۱۶ اردیبهشت، سه هزار تن از پناهندگان به اردوگاه منظریه، در شمیران منتقل شدند. (دولت‌شاهی، ۱۳۸۶: ۱۷۱). چادرهای محل سکونت مهاجرین توسط مأمورین انگلیسی، هندی و لهستانی به شدت محافظت می‌شد. (نیک‌پور، همان: ۸۶) در این میان عده‌ای از کودکان یهودی وارد اردوگاه نشدند و در میان خانواده‌های یهودی ایرانی جای گرفتند. (دولت‌شاهی، ۱۳۸۶: ۱۷۷). پناهجویان غیرنظامی در ایران دارای تشکیلاتی بودند که به دو بخش اردوگاه و انستیتو و بهداشت تقسیم می‌شد و امور مربوط به زندگی روزمره آنان را سروسامان می‌داد. اردوگاه و انستیتو خود به چهار بخش تهران، اهواز، اصفهان و مشهد تقسیم می‌شد.

بخش تهران خود به بخش‌های اردوگاه شماره ۵، ۳، ۲، ۱، خانه سالمندان، پرورشگاه، کارگاه فنون و صنایع دستی و اقامتگاه معلمان تقسیم می‌شد. بخش بهداشت نیز به ۷ بخش تقسیم می‌شد که عبارت‌بود از دبیرخانه، حسابداری و مالی، تدارکات، آموزش و مطبوعات، بایگانی، آرشیو امور دینی و آرشیو امور پزشکی. بخش تدارکات به ۵ بخش خرید، غذاسانی، تهیه پوشاک، انبار مرکزی و بخش اقتصادی تقسیم می‌شد. (دولت‌شاهی، ۱۳۸۶: ۴۰) در زمینه تأمین خواروبار پناهندگان وزیر مختارهای انگلیس و لهستان قول مساعد داده بودند که مدت اقامت آنان در ایران مدت طولانی نخواهد بود. دولت آمریکا نیز به حسن نیت و مهربانی دولت و ملت ایران اظهار امیدواری کرد. (مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۷۹: ۳۰۸-۳۰۵)

اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران به هنگام ورود پناهندگان لهستانی

مقارن با شروع جنگ جهانی دوم در سپتامبر ۱۹۳۹ (شهریور ۱۳۱۸) ایران، بی‌طرفی خود را در این جنگ اعلام کرد. (پیتر آوری، ج ۲: ۱۴۸) اما این اعلام بی‌طرفی

اهمیتی نداشت چرا که، هنگام ورود لهستانی‌ها، **علی سهیلی** نخست‌وزیر اقدامات مهمی به نفع متفقین انجام داد. او در آوریل ۱۹۴۲ روابط سیاسی خود را با ژاپن قطع کرد و راه برای الحاق به متفقین و اعلان جنگ به آلمان و ژاپن هموار نمود. با دومین حمله ارتش آلمان به روسیه در ژوئن ۱۹۴۲ و تصرف بقیه خاک اوکراین، سواحل دریای سیاه و استالینگراد، در بین میهن پرستان ایرانی جنب‌وجوشی رخ داد و هر روز انتظار شکست روس‌ها را داشتند. در خلال این مدت راه‌آهن سراسری، جاده‌ها و کلیه وسایل ارتباطی ایران در اختیار متفقین بود. اسلحه، مهمات و مواد غذایی خام و دارو از طریق ایران به شوروی حمل می‌شد. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۳: ۴۱۲ و ۴۱۳) تهران در سال‌های ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ وضعیت خوبی نداشت. اشغال آذربایجان توسط نیروهای حزب دموکرات بر



اوضاع سیاسی و اقتصادی تأثیر بدی گذاشته بود. خیابان‌های تهران پر بود از نیروهای متفقین. مواد غذایی به‌ویژه قند و شکر به شدت کمیاب بود. (نیک‌پور، ۱۳۸۸: ۹۰) تولید گندم و جو به میزان ۲۵ درصد، پنبه ۳۹ درصد، برنج ۱۰ درصد، گاو ۹ درصد، توتون ۷ درصد و میوه ۲۵-۳۰ درصد کاهش یافته بود. (جان‌فوران، ۱۳۸۳: ۳۹۵) مخالفت روس‌ها با ارسال گندم از منطقه شمال و شمال غربی ایران به پایتخت، جهت هدف‌های سیاسی و تبلیغاتی خود، بر وخامت اوضاع افزود. (آوری، ج ۲، ۱۳۷۴: ۲۱۵) با ورود پناهندگان لهستانی به ایران دولتین انگلستان و آمریکا، اطمینان کامل دادند که خواروبار، دارو و پوشاک آن‌ها را تأمین خواهند کرد، لیکن گزارش‌ها خلاف این امر را نشان می‌دهد. تهران و شهرهای دیگر با کمبود مواد غذایی به‌ویژه نان مواجه شد. (مرکز پژوهش اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۷۹، ج ۳: ۳۱۱) روزنامه اطلاعات از وضعیت رقت‌بار نان خبر می‌دهد. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۲۱: ۱) در همین نشریه یک روز بعد در مورد تأثیر خریدهای مهاجرین بر خواروبار تهران می‌نویسد: موضوع خواروبار در تهران مورد توجه شریدان قرار گرفته و در این خصوص کمیسیونی مرکب از نمایندگان سفارت انگلستان و صلیب سرخ آمریکا با حضور وزیرمختار انگلستان تشکیل شد. (همان) کمیسیون مذکور پس از مذاکرات خود در ۱۶ آبان، از کاهش خرید مواد غذایی، گوشت، پنیر، سیب‌زمینی، سبزیجات، مرباجات و میوه‌جات به میزان تعیین‌شده اطلاع دادند. در ضمن برای مریض‌های لهستانی غذای مهاجرین عادی، به‌علاوه یک چهارم لیتر شیر، نصف تخم‌مرغ و پانزده گرم کره داده خواهد شد. به اطفالی هم که از دوازده سال کمتر دارند، همان غذای اشخاص بالغ به‌علاوه یک هشتم تخم‌مرغ، سی گرم کره و پانزده گرم شکلات داده خواهد شد. متخصصین طبی اظهار می‌کنند که غذای مزبور برای لهستانی‌ها کافی است... (مرکز پژوهش اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۷۹: ۳۷۵) در سندی دیگر، شریدان اشاره به جیره‌بندی گوشت، پنیر و مارمالاد دارد. (همان، ۳۸۰) با توجه به منابع و اسناد ذکر شده، اشغال ایران توسط متفقین و استقرار پناهندگان لهستانی در تهران و شهرهایی چون خراسان، اهواز و ... در کاهش ارزاق عمومی به‌ویژه نان تأثیر بسزایی داشته است. اما نکته قابل توجه اینکه مردم ایران با وجود مشکلاتی

که داشتند، مهاجرین را از لطف و مهربانی خود محروم نمودند و این امر در نشریات و منابع درج شده است. از جمله در روزنامه اطلاعات می‌خوانیم: یک نفر ایرانی نیکوکار، باغچه‌ای با یک هزار متر مربع مساحت، واقع در جاده دزاشوب [دزاشیب] نیاوران را برای سکونت کودکان خردسال لهستانی در اختیار صلیب سرخ گذاشته است که شامل هفت اتاق با لوازم بوده است. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۲۱: ۱) همچنین خانم استلماخ در خاطرات خود می‌گوید: آدم‌های خیر در تهران گاهی به کمپ می‌آمدند و از وضعیت اسفبار یک مشت اروپایی مفلوک و گرسنه متأثر می‌شدند. آن‌ها هر روز برای ما کمیوت و مواد خوراکی می‌آوردند. (نیک‌پور، ۱۳۸۸: ۸۹)

پیامدهای استقرار لهستانی‌ها در ایران

۱. اشتغال به کار لهستانی‌ها

پناهندگان حدود سه سال و اندی، تا پایان جنگ جهانی دوم، در ایران ماندند. عده‌ای از آنان به‌عنوان پرستار در بیمارستان‌ها مشغول به کار شدند. عده‌ای نیز با اجرای کنسرت‌های موسیقی و نمایش‌های لهستانی و اشتغال در کافه رستوران‌ها، بنگاه‌ها و یا در منازل خصوصی مورد توجه دولت ایران قرار گرفتند و از این طریق کسب درآمد می‌کردند. (مرکز پژوهش و اسناد، ریاست جمهوری، ۱۳۷۹: ۳۶۲) بعضی از آنان نیز به زنان ایرانی، طرز آرایش و مد غربی را آموختند. عده‌ای هم برای رفع نیاز مالی خود به دوختن لباس، حتی لباس‌های ارتشی پرداختند. (سفارت لهستان، ۱۳۸۸: ۴۳ و ۴۴)

۲. فعالیت‌های فرهنگی و هنری

در میان لهستانی‌هایی که به ایران آمدند، چهره‌هایی از ادب و فرهنگ وجود داشتند که در ایران ماندند و جذب جامعه فرهنگی - هنری ایران شدند که خود موجب تعامل فرهنگی بین دو کشور شد. اولین خبر در مورد روابط انجمن فرهنگی استادان ایرانی و لهستانی در روزنامه کیهان مورخ اول بهمن ۱۳۲۱ درج شد. (دولت‌شاهی، ۱۳۸۶: ۱۸۲) از سوی دیگر گروهی از فرهیختگان و دانشمندان لهستانی مقیم ایران در سال ۱۹۴۲ م. اقدام به تشکیل «انجمن لهستانی مطالعات ایرانی» در تهران نمودند. (دایره سفارت

در ماه ژوئیه ۱۹۴۱ بین ژنرال
سپکورسکی و اتحاد جماهیر
شوروی پیمانی به امضا
رسید که براساس آن عده
زیادی از اسیران لهستانی‌ها
با خانواده‌هایشان به ایران
منتقل شوند

جمهوری ملی لهستان، ۱۳۲۳:۱) هدف این انجمن آشنا نمودن دو ملت با فرهنگ یکدیگر بود. جلسات سخنرانی و انتشار جزوات و نشریات دوزبانه فرانسوی - لهستانی از جمله اقدامات مهم انجمن بود که بعدها در مطالعات ایران‌شناسی در لهستان مؤثر واقع شد. سه نشریه مهم آن‌ها **عقاب سفید**، **بهشت** و **لهستانی در ایران** نام داشت. از اعضای مهم این انجمن **فرانچیشک ماخالسکی** ایران‌شناس بزرگ بود که فارسی روزمره را در ایران آموخت. (دولت‌شاهی، ۱۳۸۶:۱۸۲ و ۱۸۳) وی به شاعران معاصر ایران از جمله نیما یوشیج علاقه داشت. (آرشو اسناد ملی ایران: سند شماره ۲۹۷/۲۲۹۴۹) و اثری سه جلدی در حوزه شعر معاصر ادبیات ایران معاصر تألیف کرد. (دولت‌شاهی، همان: ۱۸۳)

وی کتاب دیگری درباره اشعار تاریخی زبان فارسی نوشت. پس از خاتمه جنگ مستشرقین لهستانی، در کشور خود، به فعالیت ادامه دادند. در لهستان انستیتوی علوم و زبان‌های شرقی تأسیس گردید. (دایره مطبوعات سفارت کبرای جمهوری ملی لهستان، ۱۹۶۶:۲۹) که در رأس آن آنانیاس، زایا تشکوفسکی قرار داشت. (رستمی، ۱۳۹۰:۵۷۸ و ۵۷۹) وی و مستشرقین دیگر لهستان، از جمله دکتر رایخمان، دکتر بیلاوسکی و دکتر کولاسکی آثاری از این‌سینا را تهیه و چاپ کردند. (دایره سفارت جمهوری ملی لهستان، ۱۹۶۶:۳۰)

فعالیت‌های هنری: یکی از اشخاص نامدار لهستانی در میان مهاجران **هانکا اوردونوونا** بود که فعالیت هنری خود را پیش از جنگ جهانی دوم در ورشو آغاز کرده بود. او مدتی به اسارت نیروهای ارتش سرخ درآمد و به شرق تبعید شد و پس از تشکیل نیروی تحت‌امر آندرس سرپرستی کودکان یتیم و بی‌سرپرست را در مسیر خروج از شوروی برعهده گرفت و از ایران عبور کرد. هنرمند دیگر در زمینه نقاشی و آهنگسازی فیلم، **هنریک ورفاشسکی** بود که به نیروهای تحت‌امر آندرس پیوست و با عبور از ایران، عراق، مصر و فلسطین در نبرد ایتالیا شرکت کرد. موسیقی‌دانان لهستانی در دهه ۳۰ خورشیدی در عرصه موسیقی علمی حضوری پررنگ در شهرهای تهران و رشت داشتند. (دولت‌شاهی، ۱۳۸۶:۱۶۷ و ۱۶۸) از جمله **آدام هاراشویچ** از مبرزترین پیانیست‌های لهستان، در خرداد سال ۱۳۳۸ به دعوت انجمن فیلامونیک برای اجرای کنسرت وارد تهران شد. (دایره

مطبوعات سفارت کبرای جمهوری ملی لهستان، ۱۹۵۹:۳۳)

۳. شیوع بیماری‌ها

از همان ابتدای ورود مهاجران به ایران، طبق اطلاع سفارت لهستان، وضعیت بهداشتی آنان بد گزارش شده و این افراد به امراض مسری و به‌ویژه به بیماری‌های متعددی مبتلا بودند. عده‌ای از پزشکان وزارت بهداشتی به ریاست مؤید حکمت، که در امور قرنطینه اطلاعات کامل داشت، مأمور شدند به وضع بهداشتی پناهندگان رسیدگی کامل نمایند و برای جلوگیری از سرایت امراض افرادی که وارد مرز می‌شدند قرنطینه دایر سازند. با وجود اقدامات ضروری وزارت بهداشتی در زمینه بازرسی



مبتلایان به امراض مسری و جدا کردن آنان از افراد سالم، بازم بیماری‌های مسری وجود داشت (مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۷۹:۳۱۱ - ۳۰۵) **استلماخ** یکی از مهاجران لهستانی مستقر در کمپ یوسف‌آباد، در خاطرات خود از وضعیت نامناسب بهداشتی، کمبود دارو، کمبود مواد غذایی و گرسنگی افراد کمپ سخن می‌گوید. (نیک‌پور، ۱۳۸۸:۸۶ - ۸۹) بنابر تصمیمات کمیسیون وزارت جنگ، در تاریخ ۱۳۲۱/۱/۱۷، سرپرست اردوگاه غیرنظامی و استیبورسکی نماینده سفارت انگلستان از وضعیت فعلی و نقاط مسکونی مهاجران در دانشکده نیروی هوایی بازدید به‌عمل آورده و در مشاهدات خود به وضعیت کثیف و نامطلوب اردوگاه، ناکافی بودن وسیله نظافت حدود دو هزار زن و بچه به سنین مختلف از بچه شیرخواره تا پیرمرد که‌نسال در قسمت‌های مسقف (خوابگاه‌ها و ناهارخوری دانشکده نیروی هوایی) محوطه بنای

**در میان
لهستانی‌هایی که
به ایران آمدند،
چهره‌هایی از ادب
و فرهنگ وجود
داشتند که در ایران
ماندند و جذب جامعه
فرهنگی-هنری
ایران شدند**

دانشکده و حدود چهارصد تن در قسمتی از ابنیه هنگ ۲ اشاره کرده است. به گزارش وزارت جنگ، در تاریخ ۱۳۲۱/۲/۲ تعداد غیرنظامیان لهستانی در تهران بالغ بر ۱۲۲۴۱ نفر بوده که ۸۲۸ نفر از آنان مریض بوده‌اند که بیماران مرد را در بیمارستان نظامی انگلیس و بقیه را در یکی از ابنیه داخلی و زیر چادر در خارج از محوطه دانشکده فنی خلبانی تحت مراقبت و مداوا قرار داده‌اند. در ضمن، با توجه به خطیر بودن مسئله بهداشت عمومی و نزدیک شدن فصل تابستان، برای انتقال پناهندگان به خارج از تهران اقداماتی به عمل آمد و سه محل اسکان در کرج، ورامین و کهریزک برای آن‌ها تعیین گردید. بنا به اقدامات بدوی یکی از عمارات بیمارستان پانصد تخت‌خوابی از طرف وزارت بهداشت برای مریضان در نظر گرفته شد. نسبت به حفظ انتظامات اردوگاه‌های غیرنظامی لهستانی و جلوگیری از تماس آن‌ها با شهر مراقبت‌های لازم به عمل آمد. همچنین با حضور استیبورسکی در جلسه کمیسیون روز ۱۳۲۱/۲/۶ تصمیم گرفته شد که به منظور جلوگیری از سرایت امراض و سایر مفاسد اخلاقی، از طرف متصدی اردوگاه مهاجرین کارتی به نام ورقه مرخصی تهیه شود. این کارت به دو زبان فارسی و لهستانی چاپ شد و به عده معینی که درخواست مرخصی برای آمدن به شهر داشتند داده شد. پاسبانان ایرانی و پلیس از هر فرد غیرنظامی ورقه مرخصی مطالبه می‌کردند و آن‌هایی که دارای ورقه نبودند جلب می‌شدند. طبق نظر کمیسیون برای نگهداری اطفال و تفکیک آن‌ها از مردها و زن‌ها، جای مناسب دیگری در ونک و اوین در نظر گرفته شد. (همان: ۳۱۷-۳۱۲) اقدام دیگر، سرکشی و بازدید وزیر بهداشت ایران، دکتر مرزبان و دکتر واشیلوسکی، رئیس بهداشتی مهاجرین لهستانی در معیت فرماندهان اردوگاه‌ها و رؤسای بیمارستان‌ها از اردوگاه‌ها و بیمارستان‌های مهاجرین لهستانی، بالاخص بیماران سالمند و اطفال خردسال و دستورات لازم نسبت به تأسیس لابراتور امور آزمایشگاه و امور دارویی بود. (روزنامه اطلاعات،

۱۳۲۱:۱) بی‌تردید؛ اقدامات مذکور در کنترل و افزایش بیماری‌های مسری تأثیر خوبی داشت، اما نه به‌طور کامل زیرا با گذشت تقریباً یک سال از ورود پناهندگان، روزنامه اطلاعات با عنوان «تیفوس در فومن» از شیوع بیماری خبر داد. در تهران نیز در سه نقطه تیفوس شیوع پیدا کرد ولی هیچ‌گونه اقدامی جهت ضدعفونی به‌عمل نیامد و تنها از طرف بهداری اعلان شد که پزشکان در صورت مشاهده بیماری تیفوس آن را اطلاع دهند. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۲۲:۱) این در حالی بود که آدم‌های خیر در تهران گاهی به کمپ می‌آمدند و از وضعیت اسف‌بار لهستانی‌ها متأثر می‌شدند و خوراکی و کمپوت برایشان می‌آوردند. (محمدعلی نیک‌پور، ۱۳۸۸:۸۹) گفتنی است عده‌ای از لهستانی‌هایی که به دلیل جنگ، بیماری و یا کمبود مواد غذایی جان باختند در دو گورستان لهستانی‌ها و ۶ گورستان دیگر ملیت‌ها در ایران دفن شده‌اند. اصلی‌ترین گورستان لهستانی‌ها در تهران، گورستان دولاب است که شامل گورهایی از دیگر ملیت‌هاست. در گورستان انگلیس تهران واقع در قلعهک نیز چند گور لهستانی وجود دارد. (دولت‌شاهی، ۱۳۸۶:۲۰۸ و ۲۰۹)

سخن پایانی

با وجود اینکه ورود لهستانی‌ها به ایران در اثنای جنگ جهانی دوم مقتضای شرایط نامناسب اقتصادی و سیاسی ایران نبود و انتظار می‌رفت ایران نتواند پذیرای آنان باشد و مایحتاج آنان را فراهم کند، اما دولت و ملت ایران با آغوش گرم پذیرای این گروه شدند و در مقابل، ادعاهای دولتین آمریکا و انگلستان مبنی بر این که از مهاجران و پناهندگان لهستانی حمایت خواهند کرد خلاف از آب درآمد. حضور آن پناهندگان هرچند در خصوص چگونگی استقرار، درمان بیماران، تأمین معیشت و... شرایط سختی همراه داشت اما روند مؤثری را طی کرد. حمایت دولت و استقبال مردم موجب شد تا لهستانی‌ها از شرایط اجتماعی و اقتصادی نسبتاً خوبی برخوردار شوند و فضایی پویا برای رشد و بالندگی آنان در زمینه‌های شغلی و هنری فراهم شود. از جمله با تأسیس انجمن فرهنگی دو کشور، در لهستان توجهات ارزنده‌ای به ادبیات ایران و مطالعات ایران‌شناسی مبذول شد. از سوی دیگر، تجربه آشنایی ایرانیان با لهستانی‌ها روابط سیاسی و دیپلماسی دو کشور را غنی‌تر ساخت.

منابع

- آرشیو اسناد ملی ایران، شماره بازبایی، ۳۴۸/۱۰/۲۴۰، ۱/۹۷/۱۴۴۰، ۲۹۸۰/۲۴۰، ۱۶۹۳۹/۱۲۲/۱۳۲۱.
- آوری، پیتسر؛ تاریخ معاصر ایران، جلد سوم، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: انتشارات عطائی، ۱۳۷۵.
- بیات، نصرالله؛ لهستان، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
- جمعی از نویسندگان، لهستان، ترجمه کسمانی، حسین؛ انتشارات بزرگ علوی، بی‌جا، بی‌تا
- دایرة مطبوعات سفارت کبرای جمهوری ملی لهستان در تهران؛ لهستان امروز، چاپخانه صبح امروز، ۱۹۶۶.
- دایرة مطبوعات سفارت کبرای جمهوری ملی لهستان، لهستان، تهران: بی‌جا، ۱۹۵۹.
- دایرة مطبوعات سفارت کبرای جمهوری لهستان، اطلاعاتی درباره گذشته و حال لهستان، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۳.
- دولت‌شاهی، علیرضا؛ لهستانی‌ها و ایران، تهران: انتشارات بال، ۱۳۸۶.
- رستمی، محمد؛ ایران‌شناسان و ادبیات فارسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
- روزنامه اطلاعات، سال هفدهم، شماره ۴۹۸۸، ۱۵ شهریور ۱۳۲۱؛ شماره ۵۰۴۲، ۱۲ و ۱۳ آبان ۱۳۲۱؛ شماره ۵۰۴۹، ۱۹ آبان ۱۳۲۱؛ شماره ۵۱۶۰، اردیبهشت ۱۳۲۲.
- سفارت لهستان؛ لهستان و ایران، تهران: انتشارات کتاب‌سرا، ۱۳۸۸.
- فوران، جان؛ مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۳.
- مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری؛ اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، جلد سوم، تهران: خانه کتاب، ۱۳۷۹.
- دمندان، پریسا؛ بچه‌های اسفهان (پناهندگان لهستانی در ایران ۱۳۲۴ - ۱۳۲۱) تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر.